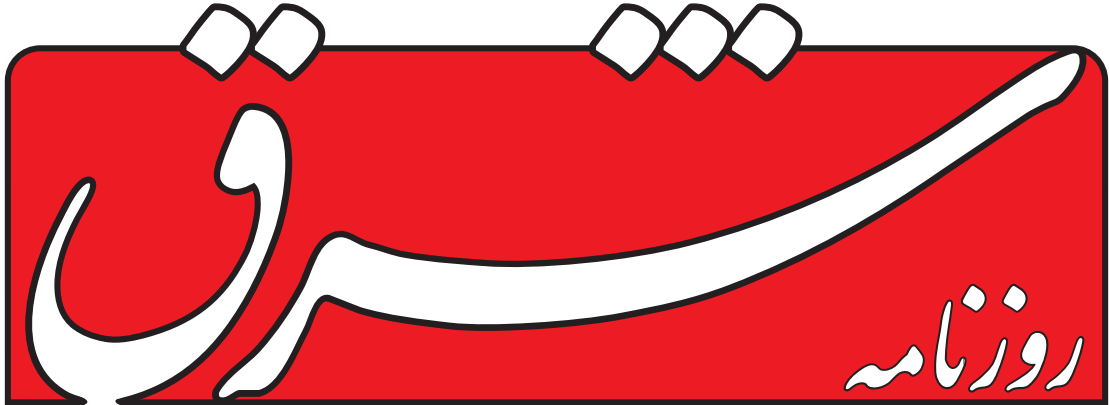




احمدغلامی

بسیاری بر این باورند این روزها بهترین کار سکوت و انزواست، سکوت و انزوای خودخواسته. اگر پیش از این جامعه روشنفکری و نخبگان سیاسی به این نتیجه رسیده بودند که چاره‌ای جز انزوا و سکوت ندارند، اینک دامنه این طیف گسترده‌تر شده و به طبقات میانه جامعه هم سرایت کرده است. گویا جملگی به این باور رسیده‌اند که دیگر کاری از دست کسی ساخته نیست و چه بهتر به انتظار فرصتی بنشینند که با دفا خودشان تغییر فصل‌ها را رقم بزنند. اتفاقات اخیر در منطقه هم این باور را راسخ‌تر کرده است. خروج ایران از سوریه، حضور ناپهنگام ترکیه در این کشور و پیشروی اسرائیل تا نزدیکی‌های دمشق و بسیاری از رخدادها ریز و درشت که نه مردم منطقه دستی در آن داشته‌اند و نه دولت‌هایی که پیش از این مؤثرترین دولت‌ها در سوریه و لبنان بوده‌اند. در این شرایط آنچه بیش از پیش دوباره در اذهان روشنفکران و نخبگان سیاسی یادآوری می‌شود، جای خالی سیاست داخلی است که همچنان در دوره فترت به سر می‌برد. دست بر قضا آنان که سال‌های سال تلاش کرده‌اند جامعه به این سمت سوق برارند، اینک باید احساس پیروزی و خوشحالی داشته باشند، اما نشانه‌هایی از این پیروزی و خرسندی در چهره‌های آنان از جمله اصولگرایان که با آرای حداقلی و ادعاهای حداکثری روی کار آمده‌اند، دیده نمی‌شود. با اینکه برای آنان آشکار شده کوچک‌ترین اثری در تغییر جامعه و سیاست داخلی آن ندارند، باز دست از روش و منش و سلوک خود بر نمی‌دارند و حتی دولت بزشکیان و شعار وفای را فرصتی برای منفعت‌طلبی خود در دقایق پایانی حیات سیاسی‌شان می‌دانند. دولت وفای نه تنها تاکنون نتوانسته وفاقی جدی ایجاد کند، بلکه فرصت‌هایی جدید برای رقابت‌های جانکه جهت دستیابی به پست‌ها و مقام‌های میانی در دولت چهاردهم به وجود آورده است. با اینکه حدود شش ماه از عمر دولت چهاردهم می‌گذرد، اما هنوز برای پست‌های میانی دولت چند نامزد وجود دارد که هر رسیدن به پست‌های پائین‌تر از هر روشی استفاده می‌کنند. این گروه از مدیران سیاسی بیش از دیگران آگاهند که بود و نبود آنان نه تنها برای مردم بلکه برای دولت‌ها نیز فایده‌ای ندارد. یکی از عوارض غیاب سیاست داخلی که اثر مستقیم بر دولت دارد، بی‌تفاوتی روشنفکران و نخبگان سیاسی است که می‌کوشند خود را از این گونه رقابت‌های سودجویانه کنار نگه دارند و در غیاب این چهره‌ها، چهره‌های ناکارآمد فرصت آن را می‌یابند که از طریق لابی‌های وفای به موقعیت‌هایی هر چند کوچک دست پیدا کنند. شاید این موقعیت‌ها در بدنه دولت کوچک و بی‌اهمیت باشد، ولی تأثیر مستقیمی بر زندگی و برداشت مردم از دولت چهاردهم دارد. آنچه همواره در دولت‌ها نادیده گرفته شده، همین مدیران میانی است که بیشترین نقش را در مقبولیت و عدم مقبولیت دولت بازی می‌کنند، چراکه مردم بیش از وزرا با این چهره‌ها در تماس هستند. در غیاب سیاست‌خواه‌ان‌خواه جامعه به سمت ابتدال می‌رود. جامعه مبتدل، تعیین‌کنندگی و کنشگری خودش را از دست می‌دهد و واکنش‌گر می‌شود. جامعه واکنش‌گر، آلت دست پوپولیست‌ها خواهد شد و بر اساس کین‌توزی، خشم و وجدان معذب تصمیم خواهد گرفت. اینک این سه عنصر کلیدی کین‌توزی، خشم و وجدان معذب در جامعه به‌وضوح دیده می‌شود. کین‌توزان تفاوتی بین آدم‌های کارآمد و ناکارآمد، آدم‌های سالم و ناسالم قائل نمی‌شوند. همین که آنان بخشی از این دولت‌اند، مستوجب کینه و بعد از آن خشم هستند. آنان که وجدان معذب دارند به ارزش‌های راستینی که پیش از این به آن باور داشته‌اند پشت کرده و مهرنگ جماعت می‌شوند. ماحصل این فرایند جامعه‌ای غیرقابل اعتماد است که در یک ناپهنگامی می‌تواند خسارت‌های سنگینی به خود و کشور بزند. آنان که از سیاست و دیپلماتیک سیاست و جامعه هراسان بودند، اینک باید بیش از هر زمان دیگری هراسان باشند، چراکه آنان هیچ اثری در جامعه ایران ندارند و حتی حامیان سنتی آنان نیز به حرف‌هایشان اعتنایی نمی‌کنند. آشکارترین نشانه غیاب سیاست در جامعه، حضور ابتدال سیاسی در آن جامعه است. همان ابتدالی که بسیاری را به سکوت و انزوا واداشته است. ظهور بروز این ابتدال سیاسی را بیش از مردم، باید در برنامه‌های صداوسیما و تحلیلگران سیاسی جست‌وجو کرد. در واقع می‌توان ادعا کرد با دو نوع سیاست روبه‌رو هستیم...



شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳
۲ شعبان ۱۴۴۶
۱ فوریه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۳۹
۲۰ هزار تومان
صفحه ۱۲

کاکایی در گفت‌وگو با «شرق» دلایل عقیم‌ماندن واگذاری مدیریت دولتی به بخش خصوصی را تشریح می‌کند

خودروسازان گرفتار در چنبره منافع سیاسیون

صفحه ۱۱



در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش «شرق» از نشست «تولید فضا؛ سیاست زنان» • ورزشگاه آرنا مملو از تماشاگر بدون حضور زنان • کاربران فیس‌بوک پیر شدند

نگاهی به مواضع مختلف مخالفان رویکرد دفاع از مذاکره و ارائه چهره‌های مقبول از ایران به بهانه تجمعات زنجیره‌ای اخیر

تقاطع‌های تقابل با ظریف



«شرق» از سفر عراقچی به قطر گزارش می‌دهد

آغاز مذاکرات با ترامپ از دوحه؟

کبریا گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: ابرار

یادداشت

فرارسیدن زمان مناسب برای توافق جامع ایران و آمریکا



اردوان امیراصلانی

اخیرا دونالد ترامپ ابراز امیدواری کرده که بحران هسته‌ای ایران بدون حملات اسرائیل حل‌وفصل شود. با این حال، او در دوره اول ریاست‌جمهوری خود با خروج یک‌جانبه از برجام، بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی، انتصاب مشاورانی همسو با استراتژی تحریم و ترور سردار قاسم سلیمانی، سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران را در پیش گرفته بود. اما چرا دونالد ترامپ که نماد سخت‌گیری علیه ایران محسوب می‌شود، چنین اظهارنظری کرده است؟ شرایط برای ازسرگیری مذاکرات مهیاست

چندین عامل نشان می‌دهد که زمینه برای مذاکرات جدید فراهم شده است. نخست، ایران سال ۲۰۲۵ دیگر ایران سال ۲۰۱۸ نیست. وضعیت اقتصادی و سیاسی داخلی کشور به طور قابل توجهی تغییر کرده است. ایران تحت تأثیر تحریم‌های اعمال‌شده طی هشت سال گذشته، از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفته است. در حالی که تورم به حدود ۳۵ درصد رسیده، تهران با سقوط تاریخی ارزش پول ملی و کمبودهای مکرر مواجه است. جوانان که بین ۲۰ تا ۳۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و همچنین قشر تحصیل‌کرده که در بین آنان ۶۵ درصد فارغ‌التحصیلان را زنان تشکیل می‌دهند، با نرخ بالای بی‌کاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. علاوه بر این، جانش‌های بی‌سابقه‌ای نیز کشور را دربر گرفته است. پیروزی دکتر مسعود پزشکیان، وزیر سابق بهداشت در دولت سیدمحمد خاتمی، بیانگر تمایل مردم ایران برای پایان دادن به انزوای بین‌المللی کشور است. دوم، شرایط منطقه‌ای پس از ۷ اکتبر متحول شده است. جنگ

یادداشت

دستور ترامپ و کاهش درآمد دلاری ایران از گمرکات افغانستان



احسان الهی مقدم

کارشناس پژوهشکده کشاورزی پژوهشگاه زابل

ترامپ در اولین روزهای کاری خود مطابق با فرمان‌های اجرایی که قولش را داده بود، به وزارت امور خارجه آمریکا دستور داده که تمام کمک‌های خارجی به کشورهای دیگر متوقف شود و فقط مصر و اسرائیل را از این قاعده مستثنا کرده است. درآمد ایران از گمرکات افغانستان در سال ۱۴۰۳ به بیش از سه میلیارد دلار رسیده است. با قطع کمک‌های دلاری آمریکا به طالبان طبیعتاً درآمد دلاری ایران نیز کاهش می‌یابد. همچنین ارزش پول ملی افغانستان نسبت به دلار کاهش خواهد یافت. معروف‌ترین جمله‌ای که مردم افغانستان درباره حکومت طالبان می‌گویند، این است که امنیت هست ولی کار نیست. با کاهش عرضه دلار در بازار افغانستان این شرایط بدتر خواهد شد. از طرفی به علت عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ در افغانستان موضوع بی‌کاری تشدید خواهد شد و برای طالبان هم بیشتر اولویت این بوده که درآمد دلاری خود را صرف ساختن سد کند. ایران به دو صورت ضرر می‌کند: هم کاهش درآمد دلاری و هم سیل دوباره مهاجران که حکومت طالبان هم می‌خواهد این افراد به افغانستان برنگردند و خواستار این است که ایران مهاجران را اخراج نکند. طالبان به زودی با غولی به اسم تورم روبه‌رو خواهند شد که با اسلحه نمی‌شود به جنگ آن رفت و احتیاج به مدیریت و تدبیر دارد.

ترامپ و مشاورانش خوب می‌دانند که نقطه‌ضعف حکومت طالبان کجاست. تأمین‌کننده پولی و ارزی طالبان طی این سه سال هم خود حکومت آمریکا بوده است. طالبان طی این سه سال به جای همکاری بیشتر با همسایگان خود و کاهش تنش، بر موضوع کنترل آب‌های مرزی متمرکز شدند. همچنین به گزارش سازمان ملل رشد و حضور گروه‌های افراطی باعث تنش بیشتر با همسایگان و تأثیرات بیشتر خشک‌سالی بر همسایگان و مهاجرت‌های درون‌سرزمینی به‌خصوص در ایران شد.

سیاست‌های طالبان بر قطر و عربستان و امارات متحده عربی تأثیر منفی ندارد چون همسایه افغانستان نیستند و با ساخت سد روی رودخانه‌های مرزی و مهاجران درگیر نیستند. این موضوعات بیشتر همسایگان

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، شرایط را برای مذاکرات مساعد می‌کند. نخست، این کشورها تمایل ندارند ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، زیرا این امر برتری نظامی تهران در منطقه را تثبیت می‌کند. عربستان سعودی بارها تأکید کرده که در صورت دستیابی ایران به بمب اتم، خود نیز به این سلاح مجهز خواهد شد. دوم، ریاض در حال برنامه‌ریزی برای دوران پس از نفت است و قصد دارد اقتصاد خود را مشابه الگوی امارات متحده عربی متنوع کند. توسعه گردشگری، ایجاد استراحتگاه‌های ساحلی در دریای سرخ و ساخت شهر آینده‌نگر «لاین» که فعلا با چالش‌های زیادی روبه‌روست، نیازمند ثبات پایدار در منطقه است.

کاهش نفوذ ایران، تغییر معادلات منطقه‌ای و اهداف اقتصادی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همگی انگیزه‌ای برای دونالد ترامپ ایجاد کرده تا به دنبال دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید با ایران باشد. از سوی دیگر، احتمال دارد ترامپ برای یافتن راه‌حلی سیاسی برای جنگ غزه و گسترش توافقات ابراهیم، به تمایلات کشورهای عربی خلیج فارس برای مصالحه با ایران توجه نشان دهد. بااین‌حال، همان‌طور که همواره در سیاست‌های دونالد ترامپ مشاهده شده، هیچ چیز قطعی نیست و شرایط بسیار ناپایدار است، چنان‌که اظهارات اخیر او درباره اسکان‌دادن فلسطینی‌های غزه در مصر و اردن، واکنش‌های شدیدی در منطقه برانگیخته است.

افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گفته مقامات آمریکایی، کمک دولت آمریکا به طالبان حدود دو میلیارد دلار بوده است. این رقم برای قطر و عربستان و امارات متحده عربی مبلغ زیادی نیست که بخواهند به بازسازی افغانستان کمک کنند. در حالی که این سه کشور به شدت روی پیشرفت کشورشان متمرکز هستند و پروژه‌های چند میلیاردی را در کشورهایشان در حال اجرا دارند و از درس‌های طالبان هم به دور هستند و با آمریکا هم رابطه اطلاعاتی دارند. همچنین در رابطه با کشورهایهایی که با آمریکا دچار تنش هستند، نقش مینجی را بازی می‌کنند.

دقت سیاسی طالبان از ابتدا در قطر بوده است و همه از نقش قطر در حکومت طالبان آگاه هستند. فیلم‌های جنگ سوریه نشان داد که سربازان حکومت طالبان هم در سوریه حضور داشتند و در سقوط بشار اسد که با حکومت قطر و ترکیه و خود آمریکا مشکل داشت، نقش ایفا کردند. به نظر حمایت از طالبان بیشتر برای استفاده سیاسی و ابزار فشار بر سایر دولت‌ها بوده است. باید دید این سه کشور عربی و مذاکره‌کنندگان طالبان چقدر در توافق بین ترامپ و ملامت‌الله موفق خواهند بود.

از طرفی ایران با سیاست‌های ترامپ در قبال افغانستان دچار مشکلات بیشتری خواهد شد. این در حالی است که در دوره دولت بوش پسر، ایران با آمریکا در زمینه افغانستان همکاری داشت. باید دید این تعامل باز هم شکل می‌گیرد یا نه.

همچنین محکومیت رهبر طالبان ملامت‌الله از سوی دادگاه لاهه شرایط ثبات حکومت طالبان و ارتباط آنها با جهان را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

عربستان طی ماه گذشته سفارت خود در افغانستان را بازگشایی کرد تا به همراه قطر و امارات متحده عربی بتوانند از اشخاص و گروه‌های خاصی که در افغانستان با آنها ارتباط دارند، حمایت کنند و از تنش بین ترامپ با طالبان بکاهند.

یادداشت

امام نوفل لوشاتو



مهرداد احمدی شیخانی

روزی که امام خمینی (ره) در فرودگاه مهرآباد تهران از پله‌های هواپیمای پایین می‌آمد، برای ما انگار رؤیا و آرزویی دیرین از آسمان بر روی زمین کام می‌نهاد و هر قدمی که آن رؤیا به پایین می‌گذاشت، گامی بود که آرزوی ما را به واقعیت نزدیک و نزدیک‌تر می‌کرد. اما مسئله این بود که وقتی آن رؤیا از فراز آسمان به زمین رسید، دیگر رؤیا نبود و لباس واقعیت پوشیده بود؛ واقعیتی که هر چند دوست داشتیم همچنان به آن از منظر رؤیا بنگریم، ولی هرچه زمان گذشت، از آن رؤیایی که داشتیم، فاصله گرفتیم و زندگی، واقعیت خود را بیشتر بر ما عیان کرد. واقعیتی که گاهی انکارش کردیم، گاهی با آن درافتادیم، گاهی فراموشش کردیم و گاهی وارونه جلوه‌اش دادیم. ولی هرچه بود، در این ۴۶ سال، واقعیت، مدام بزرگ و بزرگ‌تر شد. اما رؤیای ما چه بود و واقعیت چگونه خود را به ما عیان کرد؟ رؤیای ما در نوفل لوشاتو شکل گرفت. آنجا که مرحوم امام (ره)، زیر درخت سیب می‌نشست و با جهان به طور عام و با ما به طور خاص سخن می‌گفت. قبل از آن، رؤیای ما در پشت مه غلیظی بود که درست قابل تشخیص نبود و سخنان حضرت امام بود که این مه را کنار زد تا بتوانیم به‌وضوح رؤیای‌مان را ببینیم. تا نوفل لوشاتو، تقریباً این خواسته مانند یک عطر میهم در هوا این سو و آن سو می‌رفت و گاهی واضح و گاهی مبهم می‌شد. اما کم‌کم می‌توانستیم متوجه شویم که این عطر پراکنده در هوا برای ما معنایی از نخواستن می‌دهد؛ نخواستن سلطنت و برای همین نبود که در خیابان، علیه این حکومت فردی خروشیدیم و شعار دادیم و گفتیم تا مظهر این حکومت یعنی شاه کفن نشود، وطن هم وطن نشود. اما همه ماجرا این نبود. خب، این مظهر نبود، بعد چه؟ تا آن روز کسی به این سؤال جواب نداده بود، تا اینکه در شعارهای خروشیده در خیابان فریاد شد که «حکومت اسلامی».

برگزیده‌ها

بهانه‌هایی از جنس «دادگاه کرسنت» و «حضور رئیس قوه قضائیه در بنیاد مستضعفان»

عدالت‌خواهی به سبک دل‌پاسان

آسیب کلاس‌های مجازی مدارس و کیفیت پایین آموزش بر بیکر سیستم آموزشی کشور

تلاش برای حذف مدرسه

بژمان جوزی و بیروز حناچی سیاست‌گذاری در بخش مسکن و شهرسازی را عارضه‌یابی کردند

ساخت‌وساز منهای کیفیت

«شرق» در گفت‌وگو با وکیل ماشاءالله کرمی

تبرئه از کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع

رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید تعرفه ۲۵ درصدی کانادا و مکزیک از امروز اعمال می‌شود

آغاز جنگ تعرفه‌ها

نگاه

موانع و مشوق‌های توافق ایران و آمریکا در سطح منطقه‌ای

بادداشتی از سیدمحمد حسینی

یادداشت